

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان موضوع:

سیاست جنایی تقنینی ایران و مصر

در قبال زنان بزه دیده جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر مرادی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر مؤذن زادگان

دانشجو:

طوبی اسکندری بگلر

سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱

با تشکر و قدردانی فراوان؛

از تمامی عزیزانی که هر یک به گونه ای مرا در گردآوری پژوهش حاضر یاری نمودند و
سپاس و درود ویژه ای بر مادر و استاد ارجمندم جناب آقای دکتر مرادی و دیگر استاد
گرانقدرم جناب آقای دکتر مؤذن زادگان

چکیده؛

با توجه به تغییر موقعیت زنان بازننگری در سیاست های فرهنگی، اجتماعی، تقنینی،... نسبت به آنان لازم می باشد. شناخت ویژگی های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی ها و ظرافت های دنیای بانوان و جایگاه اجتماعی، طبیعی، اقتصادی و فرهنگی آنان شناخت نیمی از جامعه بشری است. بدون این آگاهی ها، استفاده از عواطف و ادراکات و توان های جسمی و روحی زنان در جهت مثبت یا منفی مقدور نیست. در این راستا این نوشتار بمنظور رونمایی از سیاست تقنینی جنایی (ایران و مصر) به عنوان یکی از عوامل موثر در موقعیت زنان و پاسخگویی به سوالاتی چون مقایسه عملکرد ایران و مصر و یا عملکرد رویکرد ماهوی و شکلی، پس از تبیین مباحث مقدماتی، در فصل دوم و سوم به ترتیب به مصادیق تبعیض های مثبت و منفی رویکرد ماهوی سیاست موصوف و در فصل آخر به مصادیق تبعیض در رویکرد شکلی پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - انتقادی به عمل آمده است. که نتیجه نشان داد در مقایسه ی قوانین ماهوی و شکلی ایران هر چند همواره ردپایی از عامل جنسیت در هر دو دسته از قوانین وجود داشته و دارد منتها به اشکال مختلف بوده، بدین شرح که هر چند هم در قوانین ماهوی و هم در قوانین شکلی، شاهد هر سه برخورد مقنن شامل تبعیض مثبت (مثل جرم انگای برخی از مصادیق زنا و یا عدم ثبت ازدواج دائم، طلاق، رجوع در قوانین ماهوی و ماده ۱۳۰ ق. آ. د. ک در قوانین شکلی)، تبعیض منفی (مثل پذیرش نظریه تنصیف دیه و یا تجویز لعان در قوانین ماهوی و عدم اعتبار کلی یا جزئی شهادت زنان در قوانین شکلی) و سکوت (مثل خشونت های خانگی و یا قاچاق زنان در قوانین ماهوی و ساز و کارهای قانونی جهت کاهش رقم سیاه خشونت علیه زنان در قوانین شکلی) هستیم و فرق آن ها در این است که در هر یک غلبه با یکی از برخوردهای سه گانه مذکور بوده است. در قوانین ماهوی غلبه با نگاه تبعیض آمیز منفی است. اما غلبه در قوانین شکلی با سکوت مقنن است. بنابراین هر چند قوانین حمایتی بسیاری نیز نسبت به زنان وجود دارد اما تبعیض ها و نقائصی نیز مشهود است که در راستای حفظ شأن و منزلت زنان، شناخت و در گام بعدی اصلاح آنان ضروری است و از آنجا که فقه شیعه بر مبانی (اصول و قواعد) سیال و مدرنی استوار است که می تواند خود را با شرایط زمانی و مکانی هر دوره تطبیق دهد در ظرفیت قوانین برای این تغییر شکی نیست.

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی تقنینی، جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه تمامیت معنوی، بزه دیدگی زنان، حمایت از زنان

بزه دیده.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
الف- بیان مسأله.....	۵
ب- پیشینه تحقیق.....	۷
ج- پرسش های تحقیق.....	۹
د- فرضیه های تحقیق.....	۹
ه- اهداف تحقیق.....	۱۰
و- روش تحقیق.....	۱۰
ز- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق.....	۱۰
ح- سازماندهی تحقیق.....	۱۱

فصل اول- کلیات (تبیین مفاهیم، مبانی و تاریخچه)

مبحث اول : مفاهیم.....	۱۳
گفتار اول: سیاست جنایی.....	۱۳
الف) سیاست جنایی تقنینی.....	۱۳
ب) سیاست جنایی قضایی.....	۱۷
ج) سیاست جنایی اجرایی.....	۱۸
د) سیاست جنایی مشارکتی.....	۱۹
گفتار دوم: جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی.....	۲۰
الف) جرائم علیه تمامیت جسمانی.....	۲۰
ب) جرائم علیه تمامیت معنوی.....	۲۱
گفتار سوم: بزه دیده.....	۲۱
مبحث دوم- ضرورت تجدید نظر و بازنگری در برخی از قوانین مربوط به زنان.....	۲۲
گفتار اول: توجه به شخصیت زن.....	۲۶

- گفتار دوم: عدالت ۲۷
- گفتار سوم: امکان دستیابی به عدالت ملموس تر ۲۸
- گفتار چهارم: مبنای قانونی ۲۹
- مبحث سوم - تاریخچه ی سیاست جنایی تقنینی در قبال زنان بزه دیده جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی ۲۹
- گفتار اول: جایگاه زنان دوره باستان ۳۰
- گفتار دوم: جایگاه زنان در تاریخ ایران ۳۲
- الف) ایران باستان (قبل از مشروطیت) ۳۲
- ب) انقلاب مشروطیت ۴۱
- ج) دوران پهلوی ۴۱
- د) پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران ۴۲
- گفتار سوم: جایگاه زنان در تاریخ مصر ۴۲

فصل دوم - سیاست جنایی تقنینی مثبت ماهوی در قبال زنان بزه دیده

(جرم‌انگاری افتراقی)

- مبحث اول - جرم‌انگاری افتراقی ۴۸
- گفتار اول: جرم‌انگاری افتراقی در حوزه حدود ۴۸
- الف) برخی از مصادیق زنا ۴۸
- ۱) برخی از مصادیق زنا مستوجب قتل ۴۹
- ۲) زنا ی مرد محصن پیش از دخول ۵۱
- ۳) زنا ی مرد محصن با دختر نابالغ ۵۱
- ب) قذف موضوع ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۵۲
- گفتار دوم: جرم‌انگاری افتراقی در حوزه دیات (دیه ی مو) ۵۳
- گفتار سوم: جرم‌انگاری افتراقی در حوزه تعزیرات ۵۴

- الف) توهین مشدد به اعتبار جنسیت طرف توهین ۵۴
- ب) عدم ثبت ازدواج دائم، طلاق، رجوع ۵۷
- ج) ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی ۵۸
- د) پورنوگرافی ۵۹

مبحث دوم- اقدامات تقنینی جنایی غیر کیفری ۶۱

گفتار اول: انواع پیشگیری از جرم ۶۱

گفتار دوم: اقدامات غیر کیفری قانونی ۶۳

الف) قانون مدنی ۶۷

ب) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ ۶۸

ج) مواد ۷۷ و ۷۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ ۶۹

د) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲/۰۱/۲۲ ۶۹

فصل سوم- سیاست جنایی تقنینی منفی ماهوی در قبال زنان بزه دیده

مبحث اول- جرم انگاری افتراقی ۷۴

گفتار اول: جرم انگاری افتراقی در حوزه قصاص ۷۴

دلایل جرم انگاری افتراقی در حوزه قصاص ۸۲

الف) دلایل قرآنی ۸۲

ب) دلایل روایی ۸۷

گفتار دوم: جرم انگاری افتراقی در حوزه دیات ۹۳

الف) حکمت های تفاوت دیه ی زن و مرد ۹۵

ب) دیدگاه روشن فکران و مخالفان حکم ۱۰۰

ج) دلایل جرم انگاری افتراقی دیه ی زن و مرد ۱۰۴

۱) دلایل قرآنی: ۱۰۴

۲) دلایل روایی: ۱۰۴

- گفتار سوم: جرم‌انگاری افتراقی در حوزه تعزیرات (ماده ی ۶۳۰ ق. م. ا)..... ۱۱۰
- دلایل جرم‌انگاری افتراقی در خصوص ماده ۶۳۰ ق. م. ا..... ۱۱۲
- الف) تهییج و تحریک روحی ناشی از مشاهده ی آن صحنه..... ۱۱۲
- ب) دفاع از عرض و ناموس (دفاع مشروع)..... ۱۱۳
- ج) اقامه ی حدّ الهی..... ۱۱۳
- گفتار چهارم: تجویز لعان..... ۱۱۷
- مبحث دوم- بایسته های تقنینی ماهوی در قلمرو بزه دیدگی زنان..... ۱۱۸
- گفتار اول: خشونت های خانگی..... ۱۱۹
- الف) رفتارهای آسیب زا با ماهیت تعدی جسمی- جنسی..... ۱۲۱
- ب) رفتارهای آسیب زا با ماهیت تعدی روانی..... ۱۲۴
- ج) رفتارهای آسیب زا با ماهیت تعدی به حقوق مالی..... ۱۲۵
- گفتار دوم: قاچاق زنان..... ۱۲۷
- گفتار سوم: سوءاستفاده از زنان در محیط کار..... ۱۳۲
- گفتار چهارم: سقط جنین..... ۱۳۳
- گفتار پنجم: بایسته های تقنینی برگرفته از حقوق مصر..... ۱۳۷

فصل چهارم- سیاست جنایی تقنینی شکلی در قبال زنان بزه دیده

- مبحث اول: مصادیق مثبت (ماده ی ۱۳۰ قانون آیین داری کیفری)..... ۱۴۲
- مبحث دوم: مصادیق منفی..... ۱۴۳
- گفتار اول: اجرای قصاص..... ۱۴۳
- گفتار دوم: عدم اعتبار کلی یا جزئی شهادت زنان..... ۱۴۴
- مبحث سوم: بایسته های تقنینی شکلی در قلمرو بزه دیدگی زنان (اقدامات تقنینی جنایی غیر کیفری)..... ۱۴۹
- گفتار اول: ساز و کارهای قانونی ویژه جهت کاهش رقم سیاه خشونت علیه زنان..... ۱۴۹
- گفتار دوم: حمایت از زنان بزه دیده ی تهیدست..... ۱۴۹

۱۵۰.....	گفتار سوم: حمایت از زنان بزه دیده در فرآیند دادرسی
۱۵۳.....	گفتار چهارم: اقدامات جنایی تقنینی غیر کیفری قضایی
۱۵۶.....	نتیجه گیری و پیشنهادها
۱۶۳.....	منابع و مأخذ

مقدمه

در بررسی تأثیر جنسیت در حقوق جزای ایران در می یابیم عامل جنسیت در حقوق جزای ایران تأثیر فراوانی داشته و منجر به وضع قوانین و مقررات ماهوی و شکلی متفاوتی برای مردان و زنان گردیده است. این تفاوت ها را اعم از تفاوت هایی که می بایست وجود داشته باشد که بعضاً ندارد مثل حمایتی خاص از زنان در رابطه با زنانی به عنف یا مزاحمت های خیابانی و یا معاینه ی آن ها در مواقع لزوم توسط پزشک زن و تفاوت هایی که وجود دارد ولی وجودشان شایسته نیست مثل تفاوت در قصاص و دیه -هم چنین با توجه به قید ماهوی و شکلی - طی فصل های جداگانه مطرح خواهیم کرد تا در پایان بتوانیم در مورد صحت و سقم هر یک از فرضیات خود اظهارنظر نماییم.

سه نکته ای که در ابتدای امر و قبل از سخن در مورد هر چیزی می بایست مدنظر داشت این است که اولاً اینگونه نیست که فکر کنیم امروزه زنان و کودکان به یکباره آن هم صرفاً در قوانین ما به آسیب پذیرترین قشر جامعه تبدیل شده اند بلکه از گذشته های دور و در اقوام مختلف اینگونه بوده و هست. ثانیاً هرچند قوانین را بررسی کردیم و در زمینه ی حمایت تقنینی از زنان بزه دیده به مطالعه و نقد و بررسی پرداختیم ولی نباید پنداشت که تا زمانی که در جامعه تحول ایجاد نشده امکان تحول در قانون هست و حتی اگر این کار هم صورت بگیرد قانون

جدیدالتصویب قانونی خواهد بود که به راحتی نقض می شود و اصطلاحاً به یک قانون متروک العمل تبدیل می شود، ثالثاً هر چند بحث ما در مورد "حمایت" از زنان بزه دیده است ولی این بدین معنا نیست که بخواهیم منکر نقش بزه دیده در بزه دیدگی خود شویم.

قانونگذاران کیفری در رویارویی با زنان بزه دیده در سیاست جنایی - تقنینی خود سه رویکرد متفاوت داشته اند که عبارتند از:

▪ تساوی و برابری

جنسیت بزه دیده هیچ تأثیری بر نوع حمایت و تضمین های قانونی مقرر برای همه آنان نداشته باشد، که این اصل برابری گاهاً درست و بجاست برای مثال چه فرقی می کند که بزه دیده ی جرم سرقت یعنی فرد مال باخته یک زن باشد یا مرد

▪ تبعیض مثبت

یعنی بعضاً جنسیت بزه دیده باعث شده قانونگذار کیفری بنا به دلایل خاص جرم شناسانه و حقوق بشری، حمایت ها و تضمین های قانونی ویژه ای را حسب مورد برای برخی از اقشار جامعه از جمله زنان بزه دیده پیش بینی نماید. مثل جرم انگاری های خاص له زنان مانند موضوع ماده ی ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی.

▪ تبعیض منفی

در برخی از موارد هم برعکس مورد قبل، عامل جنسیت باعث محرومیت از حمایت کیفری و قانونی مساوی با مردان شده است. مثل مهم ترین جرم های علیه تمامیت جسمانی یعنی قتل، قطع عضو و ضرب و جرح.

هر چند رویکرد اول رویکرد غالب در اسناد بین المللی است ولی اثراتی از رویکرد دوم هم بعضاً دیده می شود منتها رویکرد سوم رویکرد مطرود در اسناد مذکور است. حقوق کیفری ایران در رویارویی با زنان بزه دیده به از هر سه رویکرد بهره برده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیباچه خود منزلت والایی برای زن قائل شده و وعده می دهد: «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون در نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.» از طرف دیگر، زن به عنوان عضو اصلی خانواده «از حالت شیء بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان های مکتبی پیش آهنگ و خود، هم‌رزم مردان در میدان های فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر، و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. در همین ارتباط «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات، با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید» و برای «ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» تدابیر لازم را اتخاذ کند. (اصل ۲۱) همچنین منزلت برابر زن و مرد مورد توجه قرار گرفته و دولت موظف به «تأمین حقوق همه جانبه او از زن و مرد و... تساوی عموم در برابر قانون» شده است. (بند ۱۴ اصل ۳) اما این برابری اصولی که بارها مورد تایید قانون اساسی قرار گرفته است، در چهارچوب موازین اسلامی طراحی شده و بنابراین مشروط و مقید است. به همین جهت، هر جا که قوانین اسلامی تمایزات حقوقی خاصی را بین زنان و مردان قائل شده است، نظام جمهوری اسلامی نسبت به آن متعهد و وفادار خواهد بود و قوانین داخلی نمی توانند منصرف از آن تدوین و تصویب و اجرا شوند. بنابراین برای تحول در موقعیت حقوقی زنان ایران لازم است متخصصان امر موازین اسلام را هماهنگ با تحولات اجتماعی-سیاسی مورد توجه قرار دهند. موازین اسلام، اگر بر حسب رأی فقهای روشن بین که بر نقش زمان و مکان در تعبیر تفاسیر توجه می کنند تعریف بشود، نه تنها مانعی در برابر حقوق زن به شمار نمی رود، بلکه عامل رشد و اعتلای حقوق زن نیز خواهد شد.

اما نکته اینجاست که هر چند قانون اساسی امید بخش است ولی با وجود قوانین داخلی عمده ای مبنی بر حقوق نابرابر زن و مرد، تصریح این که زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند، به تنهایی چاره ساز نیست و لازمه ی تحقق برابری آن است که قوانین تبعیض آمیز اصلاح گردد. به عبارت دقیق تر تغییر در ساختار اجتماعی و حقوقی کنونی دولت ها لازم است. زیرا بدون این تغییرات ساختاری، اساساً رفع تبعیض غیر قابل وصول است. ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهائی است که میان افراد، گروه ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط ترتیب و تنظیم می یابد.^۱ در بحث از رفع نابرابری جنسی نیز می گوئیم تغییر ساختاری لازم است چرا که جنسیت هم مانند فرهنگ، محصول اجتماع است و

^۱ . <http://www.vista.ir/content/۴۶۴۴۳>

به همه افرادی وابسته است که پیوسته به جنسیت عمل می‌کنند. عمل به جنسیت یعنی نوزادان به گونه‌ای لباس پوشانده می‌شوند و مورد ستایش قرار می‌گیرند که حاکی از جنسیت آن‌ها باشد، و یا این که با کودک هر جنسیت به گونه‌ای متفاوت برخورد می‌شود و به او احساس متفاوت نشان داده می‌شود، هم چنین است توقع‌های متفاوتی که از مادران و پدران وجود دارد و یا این که افراد جنسیت‌های متفاوت در شغل‌های متفاوتی مشغول کار می‌شوند. شغل‌های والدین یعنی کارهایی که پدر و مادر انجام می‌دهند، نیز به نوبه خود، تجربه‌های زندگی زنان و مردان را شکل می‌بخشد که در گام بعدی، این تجربه‌ها، احساس‌ها، خودآگاهی‌ها، مناسبات و مهارت‌های متفاوتی و "روش‌های بودن" متفاوت را که مؤنث یا مذکر خوانده می‌شوند تولید می‌کنند.^۱ همه این روندها ساختار اجتماعی جنسیت را تشکیل می‌دهند.

بنابراین تغییرات ساختاری نیز مستلزم آن است که مبانی تفکر در این جوامع مورد تجدید نظر قرار گیرد. البته چنانکه پیش از این هم متذکر شدیم با تمام ایراداتی که می‌گیریم به هیچ عنوان منظور وجود یک سیاست صد در صد منفی نسبت به زنان نیست و چه بسا بتوان گفت که حتی قدم پیش از اصلاح قوانین این است که ترتیباتی اتخاذ گردد تا لاقفل در اموری که قوانین داخلی ناظر بر برابری زن و مرد است، متخلفین مجازات بشوند. به عنوان مثال هر چند طبق قانون جز در موارد نادر که کسب شغلی منوط به وصف مرد یا زن بودن است و نیز در شرایط استخدام خاصه حقوق اشخاص، فرقی بین زن و مرد نیست اما در عمل خلاف آن را شاهدیم و یا بعضاً حاکمیت یک دید مرد سالارانه و یا متعصبانه بر تفکر برخی از قضات باعث می‌شود زن بزه دیده نتواند در عمل از حمایتی که در مرحله تقنین به نفع او پیش بینی شده استفاده نماید.

البته چنانچه تفاوت جسمی و طبیعی زن و مرد به درستی مورد توجه قرار گیرد، مبانی منطقی و عادلانه‌ای برای رفتار متفاوت با زنان خواهد بود که در پرتو آن، وضع قوانین حمایتی به نفع آن‌ها به خصوص در تکمیل نقش مادری، افزایش توان جسمانی و کاستن از دشواری‌های شرایط کار تحقق می‌یابد. به علاوه باید اذعان داشت رفتار متفاوت با زنان به معنی تبعیض علیه مردان نیست، زیرا حمایت‌های خاص قانونی تنها در دراز مدت، موقعیت زنان را که تبدیل به شهروندان درجه دوم شده‌اند، اصلاح می‌کند.

^۱ . <http://zannegaar.net/content/۴۳>

الف- بیان مسأله

ملاحظاتى که در مورد بزه کاران و بزه دیدگان وجود دارد در مورد برخی اقشار از جمله زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا این اقشار به دلایل گوناگونی از جمله ضعف فرهنگی و اخلاقی، باورهای غلط و تعصب آمیز، برداشت های نابجا، روحیه ای پاره ای از مردان، ضعف در اجرای قانون و هم چنین کاستی های قانونگذاری مانند تفاوت در حکم قصاص، دیه و یا ماده ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی همواره در معرض ستم دوگانه ای قرار داشته اند. بویژه در دنیای کنونی که از یکسو بخش اعظمی از جمعیت کنونی ایران (و جهان) را دختران و زنان تشکیل می دهند و از سوی دیگر شاهد افزایش چشمگیر حضور این قشر در عرصه های گوناگون دانشگاهی، علمی و اجتماعی هستیم. این بدان معناست که جامعه ی ایرانی (و جهانی) حضور و مشارکت زنان را در همه ی عرصه ها بیش از گذشته پذیرفته و به اهمیت و تاثیر نقش زن پی برده است. این تغییر جایگاه و نقش زن در اجتماع از دو جهت شایسته توجه است: یکی از این جهت که بدیهی است هر جا وظیفه و مسئولیتی هست در برابر آن حقی نیز وجود دارد و دیگر این که هر چند ورود زنان به عرصه اجتماعی زمینه ی رشد و شکوفایی هر چه بیشتر آنان را فراهم می آورد اما ثانیاً به لحاظ کیفری نیز بسترهای جدیدی از انواع بزه دیدگی و مجرمیت زنان را به دنبال دارد. این تحول فرهنگی شایسته ی تحول تدریجی قانون گذاری در مورد مسائل زنان و دختران را در حوزه های مختلف - از جمله حقوق کیفری - می باشد. برای ایجاد چنین تحولاتی در حقوق کیفری ایران، ناگزیر از مطالعه ی سیاست تقنینی جنایی آن هستیم تا نقاط قوت، ضعف و کاستیهای موجود را دریابیم. لذا مسئله ی پژوهش حاضر این است که بستر تقنینی اجحاف به زنان بزه دیده و نادیده گرفتن حقوق آنان را در حقوق ایران مورد مطالعه قرار دهد تا نهایتاً بتواند با ارائه ی یکسری پیشنهادات چه در مورد "زمینه های لازم" جهت ایجاد تحولات تقنینی و چه در مورد "تحولات تقنینی لازم" گامی در حمایت از زنان بزه دیده بردارد. به علاوه در این راستا بهتر دیدیم به مقایسه حقوق ایران و مصر نیز پردازیم چراکه همواره یک رویکرد مقایسه ای می تواند در روشن کردن نقاط قوت، ضعف و کاستی ها مفید واقع شود، و علت انتخاب حقوق کشور مصر جهت مقایسه با حقوق ایران این است که مصر نیز مانند ایران کشور اسلامی است و لذا مبنای قوانین آن نیز احکام اسلامی می باشد. در نتیجه در این مقایسه از این جهت دچار مشکل نخواهیم شد و به راستی در خواهیم یافت که آیا به راستی تمام احکام تبعیض آمیزی که به بهانه اسلام در قانون پیش بینی شده آیا واقعاً اسلامی است یا خیر.

معمولاً این باور وجود دارد که حقوق ایران و از جمله حقوق کیفری آن، حقوق مبتنی بر جنسیت است که در مقام پاسخ به چرایی و مبنای این تفکر در اذهان اصولاً، در حقوق خصوصی به وضعیت زنان در خانواده خاصه حق ازدواج مجدد برای مردان و حق طلاق اشاره می شود و در حقوق کیفری به قوانین قصاص و دیه. ما هر چند منکر این موارد نیستیم و می پذیریم که در حقوق کیفری ایران نیز، با وجود آن که جنسیت نباید در اعمال قواعد حقوقی نسبت به اشخاص تأثیری داشته باشد (البته به جز مواردی که این تبعیض بر مبنای طبیعت هر یک از دو جنس است) جنسیت از دو جهت در قانون نسبت به زنان موثر شناخته شده است: نخست قانونگذار در اعمال قوانین ماهوی علیه زنان در برابر مردان قائل به تبعیض شده است و جهت دوم تبعیض در آیین دادرسی کیفری است ولی باید اذعان داشت در دست یافتن به یک دید جامع نسبت به سیاست جنایی تقنینی یک کشور صرف اشاره، مطالعه و بررسی رویکرد سیاست آن کشور به چند مسئله کافی به مقصود نمی باشد.

تفکر غالب و حاکم بر جوامع امروزی که در اسناد بین المللی و به ویژه در اسناد حقوق بشری مانند منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و اسنادی از این قبیل بازتاب یافته است، رعایت برابری میان زن و مرد و عدم تبعیض و تفاوت براساس جنس است. به موجب این شیوه تفکر، نباید مقرراتی وضع شده و حکم هایی مقرر و اجرا شود که نشان دهنده نوعی امتیاز یا برتری مرد نسبت به زن باشد. تردیدی نیست که تفاوت هایی در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد وجود دارد و همین تفاوت خود موجب متفاوت بودن وظایف طبیعی و تکالیف و مزایای اجتماعی می شود. ولی، مهم این است که در وضع حکم ها و تکالیف و حقوق و مسئولیت ها نباید به چیزی دیگر به جز تفاوت طبیعی موجود میان زن و مرد توجه کرد و هر حکمی که مبنای آن پایین تر دانستن ارزش انسانی زن نسبت به مرد باشد باید لغو شود.

پس صرف این که نگرش یک دین یا سیاست یا قانون نسبت به زن و مرد متفاوت باشد بد نیست. بلکه می بایست به مبنای این تفاوت نگریست.

یافته های جرم شناسی و بزه دیده شناسی نشان داده اند که برخی افراد و گروه ها مانند زنان به دلیل ویژگی های خاص زیستی و اجتماعی بیش از دیگران در معرض خطر بزه دیده گی قرار دارند. بر مبنای این ضعف است که ما خواهان و طرفدار نگاهی خاص و متفاوت نسبت به زنان در مقایسه با مردان در تمام امور اعم از مطالعاتی و سیاست گذاری و اجرا هستیم. پر واضح است که بررسی وضع موجود و پیشنهاد آنچه باید در آینده صورت بگیرد

نه در تخصص اینجانب است و نه در یک پایان نامه قابلیت گنجانده شدن دارد. لذا در تحقیق حاضر سعی نمودیم با مقید کردن موضوع به چندین وصف «سیاست تقنینی نه جامعه شناختی یا آموزشی یا روانشناختی و . . .»، «سیاست جنایی نه مدنی و اداری و . . .»، «در قبال زنان بزه دیده نه بزه‌کار»، «بزه دیده جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی نه کلیه جرائم»، «ایران و مصر نه کل جهان»، دید جامع تر و دقیق تر و ریز بینانه تری را ارائه دهیم.

ب- پیشینه تحقیق

هر پژوهشی اساساً به دنبال پاسخ سوالات و یا آزمون فرضیاتی است که در بیان مساله مطرح شده است. مراجعه به تحقیقات، مقالات یا کتاب هایی که به عین یا شبیه مساله تحقیق ما پرداخته باشند می تواند به ما کمک کند تا ضمن پرهیز از تکرار بیهوده تحقیق دیگران، به ظرایف موضوع بحث خود نیز بیشتر آگاه شده و در تجربیات محققان قبلی نیز شریک شویم. در رابطه با مسئله حمایت از زنان نیز کتب، پایان نامه، و مقالات بسیاری نگاشته شده اند که به اختصار به چند مورد از آن ها به عنوان نمونه اشاره می شود و ضمناً تفاوت های تحقیق پیشرو با آن ها را متذکر می گردیم:

۱. زن و حقوق کیفری: مجموعه مقاله ها، نتایج کار گروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری، گذشته حال و آینده (تهران: آذر ماه ۱۳۸۳)، زیر نظر نسرین مهرا، قم: سلسبیل، ۱۳۸۴.

این کتاب مجموعه ی مقالات، نتایج کارگروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری بوده که مطالب آن به خصوص مقاله ی زن در قانون آیین دادرسی کیفری، نوشته ی منصور رحمدل بسیار مورد استفاده واقع شد. چنانکه از عنوان این کتاب هم پیداست مطالب مندرج در آن منحصر به موضوع این پژوهش نبوده و جایگاه زنان را اعم از بزه‌کار و بزه دیده بررسی کرده و بدون هیچ گونه تفکیکی موارد حمایتی شامل تبعیض های مثبت و منفی را یکجا بیان نموده است. درحالی که پژوهش حاضر بر روی حقوق کیفری زن به طور خاص زنان بزه دیده متمرکز می باشد.

۲. باز پژوهی حقوق زن، ناصر قربان نیا، تهران: روز نو، ۱۳۸۴.

موضوع این کتاب نیز نسبت به موضوع تحقیق پیش رو، بسیار عام و کلی است. در این کتاب بعد از بحث از مبانی ضرورت تجدیدنظر اولاً به بررسی قانون مجازات اسلامی ثانیاً معاهدات بین المللی حقوق بشری پرداخته شده است.

درحالی که پژوهش حاضر تنها ناظر به قوانین داخلی و زنان بزه دیده است. به علاوه در بررسی حقوق کیفری داخلی به قانون مجازات اسلامی بسنده نشده است و به عنوان مثال قانون آیین دادرسی کیفری هم بررسی شده است.

۳. حقوق زن در ایران و اسناد بین المللی، عباس حسینی، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۵.

این مورد نیز علی رغم مرتبط بودن با موضوع پژوهش، مانند موارد گذشته بسیار عام تر بوده و مقید به قیود: «قوانین کیفری، داخلی، زنان بزه دیده» نبوده است. نکته ی مثبت تحقیق پیشرو همین ریز بودن عنوان آن است که در نتیجه امکان بررسی هر چه دقیق تر را فراهم می کند. در این مورد هم تبعیض های مثبت، منفی و کاستیهای موجود به تفکیک بیان نشده است.

۴. تأثیر جنسیت در حقوق جزای ایران، اعظم فاتحی، استاد راهنما: دکتر محسن رهامی، استاد مشاور: حجت الاسلام علی مهدیزاده، دانشگاه تهران- مجتمع آموزش عالی قم، تابستان ۸۲.

در این پایان نامه همانند تحقیق در دست تهیه نیز قوانین ماهوی و شکلی به تفکیک و طی دو بخش جداگانه مطرح شده اند. منتها مطالب مندرج در بخش ها منطبق با موضوعات مورد بحث ما نیست چرا که همانطور که از عنوان آن پیداست موضوع آن محدود به زنان بزه دیده نیست. از این جهت موضوع ما مضیق تر است. به علاوه در ذیل عناوین یکسان دو تحقیق نیز همواره موارد یکسانی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته اند. به عنوان مثال ما از زنانی که به عنف در تبعیض های مثبت موجود در قوانین ماهوی صحبت می کنیم و یا از ماده ی ۶۳۰ در تبعیض های منفی موجود در قوانین ماهوی. در حالی که در این پایان نامه هیچ اشاره ای به آنها نشده است.

۵. حمایت کیفری از حقوق زنان در اسناد بین المللی و حقوق داخلی، آذر عبدی، استاد راهنما: محمد علی مهدوی ثابت، استاد مشاور: محرم علی مهدیزاده، دانشگاه مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۱.

تأکید این تحقیق نیز بیشتر بر این بوده است که چه اسناد بین المللی در حمایت از زنان بزه دیده وجود دارد و هر یک از این اسناد چه تدابیری در این راستا پیش بینی کرده و به دولت ها ارائه می دهند. لذا هر چند مطالعه ی آن در پیش بردن پژوهش این جانب می تواند بسیار راهگشا باشد به ویژه در زمینه کاستی های قانونگذاری، منتها دارای تفاوت های بسیاری با آن نیز هست و کلاً این دو مقاله از دو زاویه ی متفاوت به موضوع زنان بزه دیده پرداخته اند. به علاوه این که در اینجا هم مثل سابقه های مذکور در قبل موضوع محدود به زنان بزه دیده نشده است.

۶. زنان بزه دیده در دو نظام کیفری ایران و انگلستان، فهیمه امیرخانی، استاد راهنما: علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
۷. حمایت از زنان بزه دیده در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، قاسم رنجبران جوبه، استاد راهنما: نسرین مهرا، استاد مشاور: علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
۸. بررسی حمایت ها و کمبودهای حقوق کیفری ایران در رابطه با حقوق زنان، مصطفی محمد علی قربانی، استاد راهنما: عادل ساریخانی، استاد مشاور: ابوالفتح خالقی، دانشگاه قم، ۱۳۸۸.
۹. مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی، حسین مهرپور، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۹.
۱۰. تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران (مبانی و مصادیق)، علی کاظم زاده، تهران: میزان، ۱۳۸۲.
۱۱. نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری: گذشته، حال و آینده (ساسیل، ۱۳۸۴)
۱۲. و غیره . . .

در موارد اخیر نیز تفاوت هایی مانند آنچه در ۵ مورد اول ذکر نمودیم وجود دارد که از تکرار آن ها خودداری کرده و تنها به ذکر عناوین و مشخصات آن ها بسنده نمودیم.

ج- پرسش های تحقیق

پرسش اصلی: سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال زنان بزه دیده ی جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی در مقایسه با سیاست جنایی تقنینی مصر در این عرصه چگونه ارزیابی می شود؟

پرسش فرعی: سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال زنان بزه دیده ی تمامیت جسمانی چون قطع و جرح ضعف و کاستی بیشتری دارد یا جرائم علیه شخصیت معنوی آنان چون توهین و . . . ؟

د- فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال زنان بزه دیده ی جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی نسبت به سیاست جنایی تقنینی مصر در این حوزه از رویکرد حمایتی کمتری برخوردار است.

فرضیه فرعی: سیاست جنایی تقنینی ایران در عرصه ی حمایت از تمامیت جسمانی زنان بزه دیده نسبت به عرصه ی حمایت از تمامیت معنوی با نقائص و کاستی های بیشتری مواجه است.

ه- اهداف تحقیق

- ۱) بررسی نقاط قوت، ضعف و کاستی های سیاست جنایی تقنینی ایران (قوانین ماهوی و شکلی) در قبال زنان بزه دیده ی جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی.
- ۲) تبیین جایگاه جنسیت در قوانین ماهوی ایران در مقایسه با قوانین شکلی ایران.
- ۳) تبیین جایگاه جنسیت در سیاست جنایی تقنینی ایران در مقایسه با سیاست جنایی تقنینی مصر.
- ۴) ارائه پیشنهاداتی جهت اصلاح کاستی های موجود در سیاست جنایی تقنینی ایران (قوانین ماهوی و شکلی) در قبال زنان بزه دیده ی جرائم علیه تمامیت جسمانی و معنوی.

و- روش تحقیق

روش تجزیه و تحلیل منتخب در تحقیق حاضر، به تناسب موضوع آن، روش تحلیلی انتقادی می باشد. یعنی بعد از بیان یک مسئله آن را تحلیل نموده و ریشه و مبنای آن را ذکر کردیم. به عبارت دیگر ذیل هر عنوان بعد از بیان یک واقعیت مربوط به سیاست های جنایی تقنینی حقوق ایران، سعی نمودیم روشن سازیم: مبنای آن چیست؟، چه مبنایی دیگری در این زمینه وجود دارد؟، مبنای درست کدام است؟، ... در این راستا در جمع آوری مطالب با استفاده از شیوه ی کتابخانه ای و رجوع به منابع و مآخذ عربی/ فارسی اعم از کتب، مقالات و پایان نامه - روش متداول در تحقیقات علوم انسانی - توانستم با مکتوبات دیگری که در این رابطه به رشته ی تحریر در آمده اند آشنا شده و در نتیجه گامی رو به جلو بردارم.

ز- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق

هر چند تاکنون تحقیقات فراوانی در زمینه ی حقوق زنان صورت گرفته است منتها این تحقیقات همواره با یکسری نقائص چون دید بسیار کلی و توجه نکردن به قیودی چون «زن در حقوق کیفری، حقوق خصوصی، ...»، «زن بزه دیده و زن بزه کار»، «بزه دیده ی جرائم جسمانی، ...» و ... همراه بوده است. مضافاً این که علی رغم این که قوانین و مکتوبات فراوانی در رابطه با موضوع مورد بحث در حقوق ایران در اختیار می باشد در رابطه با حقوق مصر، دسترسی به قوانین مصر به عنوان حداقل منبع و سایر کتب در رابطه با موضوع در حقوق مصر وجود ندارد.